

سوره «یونس» (۱۰)

سال نزول

سوره یونس را اغلب مفسرین مکی می‌دانند و برخی چند آیه آن را (بین یک تا سه آیه) مدنی نامیده‌اند. مطابق جدول کتاب «سیر تحول قرآن»، آیات این سوره متشکل از دو گروه است که آیات ۱ تا ۷۱ آن در سال چهارم هجری در مدینه و آیات ۷۲ تا ۱۰۹ در سال ۱۱ بعثت در مکه نازل شده است.

این سوره اولین سوره از سوره‌های ششگانه‌ای است که با حروف مقطعه «الر» به صورت مجموعه مرتبط و منسجمی پشت سرهم و در یک ردیف در قرآن قرار گرفته‌اند.^۱ این سوره‌ها که به ترتیب به نامهای: یونس، هود، یوسف، رعد، ابراهیم و حجر نامیده شده‌اند هماهنگ با یکدیگر بوده، از نقش و رسالت پیامبران الهی در اقوام و ادوار مختلف تاریخی و سرنوشت مخاطبین آنها سخن می‌گویند.

محتوای سوره

نام این سوره خود کلید گشاینده‌ای برای تشخیص محتوای آن است، بر خلاف تصور، در این سوره اصلاً داستان حضرت یونس (ع) و قوم او ذکر نشده است، بلکه تنها در یک آیه (آیه ۹۸) از قوم یونس به عنوان تنها قومی که مردمش (پس از تکذیب) ایمان آوردند و عذاب خوارکننده از آنان برداشته شد، ذکری به میان آمده است (فلولاکانت قریه امنة فنفعها

۱. البته چهارمین ردیف آن سوره «رعد» است که حروف مقطعه آن «المر» می‌باشد که چهار حرفی است و حرف «م» را اضافه دارد. اتفاقاً نام این سوره هم که پدیده‌ای طبیعی است (رعد) با نام پنج سوره دیگر که چهار تای آن اسامی پیامبران و یکی نام شهر قوم ثمود (قوم صالح) است تفاوت دارد.

ایمانها الا قوم یونس لما امنوا کشفنا عنهم عذاب الخزی فی الحیوة الدنیا و متعناهم الی حین)، بنابراین این سؤال مطرح می شود که چرا این سوره «یونس» نامیده شده است؟...

در ثلث آخر این سوره که پس از بیان مسائل کلی و زیربنائی به داستان انبیاء می رسد تنها از حضرت نوح (ع) به عنوان سرسلسله رسولان و حضرت موسی (و هارون) علیهم السلام به عنوان تکمیل کننده مرحله ای خاص از سیر نبوت اشاره می کند و در این میان پس از ذکر تکذیب اقوام، به عنوان استثنائی مشخص و ممتاز به قوم یونس (ع) اشاره می کند، گوئی همین استثناء مورد توجه قرآن بوده و به عنوان محوری در رابطه با مسائل کلیدی سوره مطرح گشته است، اتفاقاً مسئله کشف عذاب یا کشف ضر (برداشتن عذاب و گرفتاری) سه بار در این سوره تکرار شده که از بقیه سوره های قرآن بیشتر است (آیات ۱۲-۹۸-۱۰۷).

به گفته مرحوم طباطبائی در المیزان: «این سوره را می توان سوره تهدید به داوری و فیصله قطعی بین پیغمبر و امت نامید». اتفاقاً در مورد اقوام همدوره حضرت نوح (ع) نیز به مسئله هلاکت آنها در این سوره توجه و تأکید مشخص تری شده است تا بقیه جنبه های مربوط به داستان. قابل توجه است که موضوع قضای الهی در فیصله دادن اقوام مجرم و هلاکت آنها، در قالب فعل مجهول «قُضِیَ» در این سوره چهار بار تکرار شده (آیات ۱۱-۱۹-۴۷-۵۴) که از سایر سوره های قرآن بیشتر است. همچنین کلمه «مجرمون» که ناظر به طبقه مقابل و مخالف رسولان است، در این سوره بالاترین رقم را دارد (آیات ۱۷-۵۰-۸۲) به این ترتیب این سوره با مطرح کردن پیام رسولان در دو زمینه مبدا و معاد و ارائه نشانه هائی از عظمت آیات الهی و ناپایداری دنیا، عکس العمل منفی اقوام را در بی اعتنائی به انداز رسولان و لجاجت و سرسختی در برابر آنها که منتهی به هلاکت خودشان می شود بیان می کند.

علاوه بر محور فوق، محورهای دیگری نیز در این سوره وجود دارد که ویژگی ممتاز و مشخص آن را نشان می دهد. از جمله خصوصیت استدلالی و لحن جدلی آیات می باشد که در برابر اعتقادات منحرفانه مشرکین و دعاوی پندارگرایانه آنان بیان شده است. به این ترتیب سوره جلوه ای اعتقادی (ایدئولوژیک) دارد و سراسر مشحون از منطق و دلیل و تعلیمات مبتنی بر تفکر و تعقل می باشد. از این نظر سوره «یونس» بسیار شباهت به سوره «انعام» دارد که ویژگی ممتاز آن (همانطور که قبلاً دیدیم) ارائه برهان و استدلال در زمینه های توحید و نبوت و معاد می باشد. نظریات استدلالی سوره «یونس» در برابر مشرکین مخالف رسول اکرم (ص) می باشد که علیرغم اعتقاد به «الله»، تدبیر عالم و زندگی خود را به دست فرشتگان،

الهی‌های فرضی و بت‌ها می‌پنداشتند و به این ترتیب از توحید و دین خالص دور شده بودند. قبل از این که به ویژگیهای مستقل و منحصر به فرد سوره یونس بپردازیم لازم است شباهت‌ها و هماهنگیهای آن را با سوره انعام نشان دهیم. این شباهت‌ها در کل قرآن وضعیت مشخص و ممتازی دارند.

۱- آزادی و اختیار انسان

از آنجائی که یکی از محورهای اساسی سوره، جدال اعتقادی با مشرکین می‌باشد (همانند سوره انعام)، برای آن که مبدا چنین توهم و تصور شود که رسالت مسلمانان قلع و قمع خشونت‌آمیز مشرکین و پاک کردن زمین از لوث وجود آنها است، به شدت بر اختیار و آزادی انسان در پذیرش دین و ملزومات آن تأکید می‌شود تا کسی فکر نکند با اکراه و اجبار می‌توان حقی را به منکرین قبولاند.

در سوره انعام ۲۳ آیه به این امر اختصاص داشت و در این سوره ۱۵ آیه (۱۴٪ آیات) که تقریباً نسبت مساوی دارند^۱ و این نسبت از نظر آماری وضعیت استثنائی و ممتازی دارد. نکته جالب این که فرمان «قل» به رسول اکرم در رابطه با مشرکین و برای ارائه و القاء نظریات محکم توحیدی، ۲۴ بار در این سوره تکرار شده که بعد از سوره انعام (۴۴ مرتبه) در کل قرآن مقام دوم را دارد. این مطلب می‌رساند که رسالت قرآن فهماندن از طریق مکالمه است.

۲- شرک

مشتقات کلمه شرک در سوره انعام بالاترین رقم را در قرآن داشت (۲۹ کلمه) و در این سوره کلمه «شركاء» ۶ بار تکرار شده که پس از سوره انعام ردیف دوم در قرآن می‌باشد. منظور از شرک، انواع پیرایه‌ها و ناخالصی‌هایی است که در قالب «شركاء» انسان را از توحید دور می‌کند.

۳- افتراء- مشرکین در برابر منطق محکم و استدلال روشن رسول جوابی جز تکذیب و افتراء نداشتند، آنها وحی و کتاب را بافته شده (افتراء) توسط پیامبر و سحر و جادو می‌دانستند، از این نظر در سوره یونس پس از سوره انعام و هود مشتقات کلمه افتراء بالاترین رقم را در قرآن دارد (۷ بار).

۴- کلمات مشترک- در ارتباط با موضوع مشترک هر دو سوره، که ارائه نظریات استدلالی پیرامون: توحید، نبوت و معاد می‌باشد، برخی کلمات در هر دو سوره کاربرد ویژه‌ای یافته‌اند. از جمله:

۱. آیات شماره (۱۰۹-۱۰۸-۱۰۲-۱۰۰-۹۹-۷۱-۶۵-۴۳-۴۲-۴۱-۴۰-۲۰-۱۹-۱۴-۱۱)

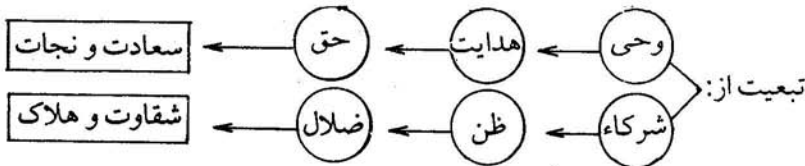
«لا یومنون» - زینت - آیات (تفصیل) - صراط مستقیم - جرم (سوره‌های یونس و هود و انعام بالاترین رقم را دارند) - «ولولشاء»

ویژگی‌های مستقل و منحصر

حق و ظن - کلمه «حق» ۱۷ بار در سوره یونس به کار رفته که پس از سوره بقره (۱۹ بار) بیشترین تعداد را در مقایسه با سایر سوره‌ها دارد. (باتوجه به این که حجم سوره بقره حدود ۳/۵ برابر سوره یونس است، به‌طور نسبی می‌توان گفت از این نظر سوره یونس مشخص‌تر است). برای رسیدن به «حق»، هدایت و ایمان لازم است. در حالی که مشرکین به‌پندار و «ظن» تکیه می‌کنند. اتفاقاً مشتقات کلمه «ظن» نیز در این سوره بیش از سایر سوره‌ها به کار رفته است (۶ بار). این مطلب نشان می‌دهد مسئله پیروی از «حق» در برابر پیروی از «ظن» و پندار، از محورها و موضوعات اصلی مطرح شده در سوره یونس در زمینه مسائل اعتقادی می‌باشد. مقصود از کلمه «حق» در این سوره متفاوت می‌باشد. گاهی به رب و مولی تعلق گرفته (ربکم الحق - مولا هم الحق) و گاهی به خلقت، وعده قیامت، کتاب و وحی و غیره. (مثل: ما خلق الله ذلك الا الحق - ان وعد الله حق - قد جاءكم الحق). گاهی نیز به‌طور کلی مثل: فماذا بعد الحق الا الضلال.

جالب این که تنها در یک آیه این سوره ۴ بار کلمه حق و ۵ بار کلمه هدایت به کار رفته و در آیه بعد نیز به تبعیت از ظن (به جای حق) اشاره شده است.

(آیه ۳۵) قل هل من شركاءكم من يهدي الى الحق قل الله يهدي للحق افمن يهدي الى الحق احق ان يتبع امن لا يهدى الا ان يهدي فما لكم كيف تحكمون
(آیه ۳۶) - و ما يتبع اكثرهم الا ظنا و ان الظن لا يغني من الحق شيئا.



به این ترتیب این سوره انسانها را به جای تبعیت از «ظن» که به طرف ضلالت و هلاکت می‌کشاند، به تبعیت از هدایت الهی که به طرف حق و در نتیجه سعادت و نجات سوق می‌دهد راهنمایی می‌کند.

«رب» در این سوره ۲ بار نام رب در اضافه به عالمین (رب العالمین) و ۲۲ بار در اضافه به ضمائر شخصی مثل: ربکم، ربنا، ربی، ربهم، ربه، آمده است که به‌طور نسبی زیاد

است (در سوره توبه فقط ۲ بار نام «رب» آمده است). و این در حالی است که کلمه «الله» فقط ۶۲ بار در این سوره آمده که همانند سوره انعام (۸۷ بار) در مقایسه با سایر سوره‌های بلند قرآن بسیار کم است (توبه ۱۶۹ بار). این آمار نشان می‌دهد که موضوع «ربوبیت» بیش از مسئله «الوهیت» در این سوره مورد توجه قرار گرفته است، به خصوص در ترکیب «ربک» (خطاب به رسول اکرم) این سوره بعد از سوره انعام بالاترین رقم را دارد (۸ مورد). همانطور که قبلاً گفتیم براهین و استدلال‌های این سوره از زبان پیامبر به مخالفین نقل شده است.

موضوع غیر عادی دیگر کاهش تعداد «اسماء الحسنی» در این سوره است که به جز الله و رب تنها به پنج نام دیگر (هر کدام فقط یکبار) برمی‌خوریم. مثل: سمیع العلیم - غفور الرحیم - شهید. گویا از صفات و اسماء نیکوی الهی عمدتاً به «ربوبیت» خداوند در این سوره تأکید شده است (مثل سوره انعام) و به تعلیم و تربیت انسان در این آموزش‌های عقیدتی و جدال‌های نظری عنایت خاص داشته است.

آهنگ خاتمه آیات

سوره یونس شامل ۱۰۹ آیه می‌باشد که ۹۸ آیه آن با حرف «ن» ختم می‌شود، ۹ آیه با «م» و یک آیه با «ل». مواردی که به «ن» ختم می‌شوند مربوط به اعمال و عوالم انسانی است^۱ در حالی که موارد ختم شده با «م» به صفات خداوند و موضوعاتی که منحصرأ از او ناشی می‌شود مربوط می‌گردد. مثل: کتاب الحکیم - جنات النعیم، عذاب یوم عظیم - صراط مستقیم - فوز العظیم - سمیع العلیم - عذاب الیم - غفور الرحیم. تنها یک استثناء دارد، آن هم آیه ۷۹ (ساحر علیم) می‌باشد که صفت علیم به انسان (نه خدا) نسبت داده شده است. علاوه بر ۹ موردی که با حرف «م» ختم می‌شوند، یک مورد هم با حرف «ل» ختم شده (آیه ۱۰۸ ما اناعلیکم بوکیل) که آن هم برخلاف معمول ناظر به انسان (رسول اکرم) می‌باشد. دلیل این دو استثناء را باید پیدا کرد. به نظر می‌رسد استثنای نخست برای جلب توجه خوانندگان به کلمه «سحر» می‌باشد که در این سوره ۷ بار تکرار شده (مساوی اعراف و شعراء) که بعد از سوره طه (۱۰ بار) بالاترین رقم را در قرآن دارد. و استثنای دوم که عیناً در سوره انعام هم تکرار شده، برای جلب توجه به موضوع اختیار و آزادی انسان بوده است که محور سوره می‌باشد (ما اناعلیکم بوکیل). کلمه «وکیل» گرچه با حرف «ل» ختم شده، ولی در قرائت به دلیل تنوین آخر آن «ن» خوانده می‌شود. همانطور که در مورد مشابه سوره انعام گفته شد،

۱. دو آیه به رب العالمین و خیر الحاکمین ختم شده که گرچه اشاره به نام خداوند است، ولی کلمات عالمین و حاکمین به‌طور مستقل به عوالم انسانی و دنیائی مربوط می‌باشد.

پیامبر که واسطه میان خالق و مخلوق است از نظر بشری همانند سایرین است. اما به دلیل وحی، سخن و عملش با سایر انسانها تفاوت دارد. یعنی ظاهر او مثل بقیه انسانها و باطن او ممتاز از آنها است. کلمه «وکیل» نیز ظاهراً مثل بقیه آیات سوره که با «ن» ختم شده قرائت می شود ولی در واقع با «ل» ختم شده است. تغییر آهنگ انتهای آیات و استثناهای معمول در سوره ها، همانطور که بارها گفته شده، به نظر می رسد در آیات کلیدی سوره و نقطه عطف های آن برای جلب توجه خوانندگان و شنوندگان باشد.

آغاز و انجام

همانطور که قبلاً گفته شد، آیات اول و آخر هر سوره وضع ویژه ای دارند که خلاصه و نتیجه گیری آن سوره بوده راهنمای ساده و روشنی برای شناخت محتویات سوره و فهرست مندرجات آن به شمار می روند. سوره یونس با آیه: «الر تلك آيات الكتاب الحكيم» آغاز می شود که نشان می دهد موضوع کتاب «قرآن» محور اساسی مباحث سوره می باشد و در متن سوره ۱۲ بار (بیش از ۱۰٪ آیات) به مسئله اهمیت کلیدی کتاب در هدایت انسان اشاره شده (آیات ۱-۱۵-۱۶-۱۷-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۵۷-۶۱-۹۴-۱۰۸) و دو آیه آخر سوره نیز خطاب به همه انسانها بار دیگر به مسئله هدایت و کتاب و تبعیت از وحی تأکید شده است:

(قل يا ايها الناس قد جاءكم الحق من ربكم فمن اهتدى فانما يهتدى لنفسه و من ضل فانما يضل عليها و ما انا عليكم بوكيل - اتبع ما يوحى اليك و اصبر حتى يحكم الله و هو خير الحاكمين)

واژه های به کار رفته در همین دو آیه دقیقاً محورهای عمده سوره و موضوعات اساسی آن را (که در دو آیه اول سوره نیز معرفی شده) نشان می دهد

مثل: ناس (آیه دوم و آخر سوره)، حق، رب، هدایت، ضلالت، وکیل (آزادی)، پیروی از وحی (نه شرکاء) و صبر در انجام رسالت. وحی (آیه دوم و آخر)، حکیم و حاکمین (آیه و اول و آخر - کتاب الحکیم - خیر الحاکمین).

ارتباط سوره های یونس و هود (۱۱ و ۱۰)

در آخرین آیه سوره یونس و اولین آیه سوره هود (که حلقه ارتباطی میان دو سوره محسوب می شوند) هر کدام دو مرتبه مشتقات کلمه حکم (یحکم - حاکمین - احکمت - حکیم) به کار رفته است که علامت راهنما و اشاره ای است به وجه ارتباط و اتصال دو سوره. از نظر لغوی مفهوم استواری و انسجام و بدون نقص و عیب بودن، که مخالف سستی و خلل

و ناقص و معیوب بودن است، در این کلمه وجود دارد. خداوند خیرالحاکمین است. یعنی در داوری میان بندگان به عدل و داد عمل می کند، کتابش محکم است یعنی خلل و نقصی در آن نیست و حکیم است یعنی در کارش عیب و ایرادی وجود ندارد و یکسره خیر و رحمت است. در سوره یونس پیامبر را به پیروی از وحی و صبر و پایداری تا زمان فرارسیدن «حکم» خدائی که خیرالحاکمین است فرا می خواند و در سوره هود بر محکم بودن کتابی که از طرف خداوند حکیم برای هدایت انسانها به توحید نازل شده تصریح می نماید.

یونس (۱۰۹) - واتبع مایوحی الیک و اصبر حتی یحکم الله و هو خیرالحاکمین

هود (۱) - الر - کتاب احکمت آیاته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر

نتیجه اجمالی که از این انطباق می گیریم، توجه و تمرکز هر دو سوره روی حکیمانه و استوار بودن راهی است که نشان داده است. اما برای تفصیل بیشتر لازم است به آیات بیشتری از انتهای سوره یونس و ابتدای سوره هود مراجعه نمائیم:

۱۶ آیه انتهائی سوره یونس، که پس از شرح داستان تکذیب حضرت نوح (ع) و حضرت موسی (ع) و نجات مؤمنین و هلاکت مشرکان آمده است، خطاب به پیامبر و برای نتیجه گیری از داستان انبیاء چند اصل را بیان می نماید:

۱- اولاً خود پیامبر باید به درستی راه و مکتبش صددرصد یقین داشته از شک و تردید، که تکذیب آیات خدا محسوب و موجب خسران می شود، بدور باشد. باید صریحاً از بت های مشرکان اعلام بیزاری نموده تبعیت خود را از یکتاپرستی اعلام نماید: آنگاه روی خود را به دین حنیف گردانده از مشرکان نباشد. پیامبر بدون ترس و واهمه باید از آنچه بجز خدا می خوانند دوری کند و بداند خیر و شر و نفع و ضرر یکسره به دست خدا است و فضل و رحمت او را کسی مانع نتواند شد.

۲- علیرغم آیات و بینات و اندازهای رسول، اکثریت مردم ایمان نمی آورند. حتی اگر معجزه ای هم در کار باشد تا عذاب را نبینند باور نمی کنند.

۳- اگر خدا می خواست همه مردم بتمامه ایمان می آوردند، ولی مشیت او اختیار دادن به بندگان است و برای ایمان اذن و قانونمندی قائل شده است.

۴- پیامبر بدون این که اجبار واکراهی برای ایمان مردم به کار برد، باید صبر و انتظار درپیش گرفته تنها از وحی پیروی نماید که او بهترین حکم کنندگان است.

۵- خداوند رسولان و مؤمنین را نجات می دهد و این کار را حقی بر خود قرار داده است.

آیات مقدمه سوره هود نیز قابل تجزیه تحلیل و استخراج اصول ذیل می باشد:

- ۱- کتاب استوار و روشنی که از جانب خداوند حکیم خبیر نازل شده به خاطر هدایت بندگان به «توحید» (یکتاپرستی) و اعراض از شک است
 - ۲- نقش پیامبر انذار و بشارت و دعوت بندگان به استغفار و توبه بدرگاه الهی است تا به نیکوئی از زندگی بهره مند گردند.
 - ۳- پشت کردن بندگان به حقایق موجب عذاب الیم در آخرت خواهد شد.
 - ۴- بازگشت همه بندگان به سوی خدا است و او بر هر کاری توانا است
 - ۵- علیرغم حقایق فوق و علم خدا بر پنهان و آشکار بندگان و به رازهای سینه‌های آنها، مشرکان برای نشنیدن حق جامه خویش بر سر می‌کشند.
- مقایسه اصول استخراج شده از هر دو سوره هماهنگی و ارتباطی را بر محور «حکمت» نشان می‌دهد.

نکته قابل توجه دیگر این که در آیه ۹۸ سوره یونس (که نام سوره نیز از آن استخراج گردیده است) ایمان آوردن قوم یونس را پس از آن که به دلیل شرک و کفر، به آستانه عذاب رسیده بودند، موجب نجات و بهره‌مندی ایشان تا سرآمد معینی دانسته است. با توجه به این شاهد تاریخی، در آیه سوم، مشرکین معاصر پیامبر را دعوت می‌نماید با استغفار و توبه موجبات بهره‌مندی و زندگی سالم و سعادت‌مند خود را (همچون قوم یونس) فراهم سازند. ذیلاً هر دو آیه را نقل می‌نمائیم:

یونس: فلولا کانت قرية امنة فنفعها ایمانها الا قوم یونس لما آمنوا کشفنا عنهم عذاب الخزی فی الحیوة الدنیا و متعناهم الی حین
 هود: وان استغفروا ربکم ثم توبوا الیه یمتعکم متاعا حسنا الی اجل مسمی و یؤت کل ذی فضل فضله...